



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



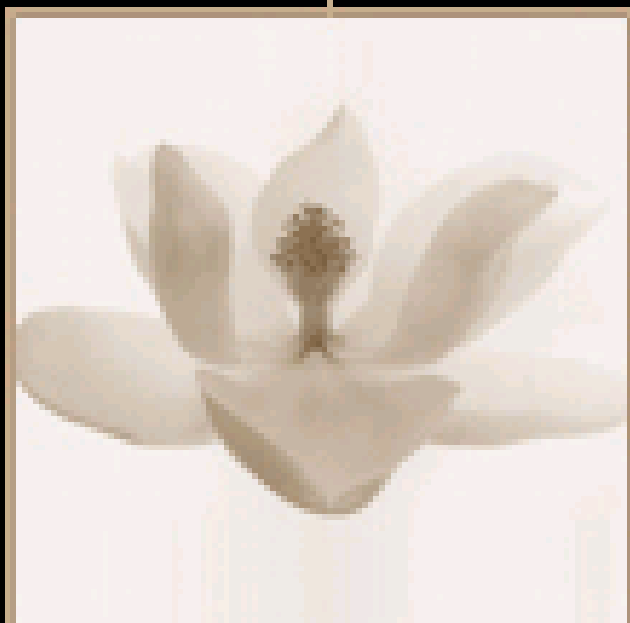
رسالت
علیهما الصلوات
والتسلیمات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

فاطمہ (س)

برکوری

تربیت



محمود مدنی بھستانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فاطمه (س)، بر کرسی تربیت

نویسنده:

محمود مدنی بجستانی

ناشر چاپی:

زائر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	فاطمه (س)، بر کرسی تربیت
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	الگوی تربیت
۶	اشاره
۶	آغاز تربیت
۷	نامگذاری
۸	توجه به حفظ و سلامت کودک
۸	تساوی در محبت
۹	آموزش‌های سیاسی و عبادی
۹	اشاره
۹	آموزش بندگی
۱۰	آماده‌سازی برای جهاد
۱۱	تشویق به دانش‌آموزی
۱۲	زها در جهان حقیقت
۱۳	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فاطمه (س)، بر کرسی تربیت

مشخصات کتاب

سرشناسه : مدنی بجستانی، محمود، ۱۳۴۳- عنوان و نام پدیدآور : فاطمه (س)، بر کرسی تربیت/محمود مدنی بجستانی منشأ مقاله :
 زائر، ش ۱۳۷، اردیبهشت ۱۳۸۵ : ص ۸ - ۹ توصیفگر : فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق توصیفگر : شیوه زندگی
 توصیفگر : تربیت توصیفگر : فرزندان

مقدمه

به زندگی پر بار اما کوتاه فاطمه (س) از ابعاد گوناگون می‌توان نگریست و از دیدگاه‌های مختلف به نظاره نشست. آنچه در این نوشتار در پی آنیم «بررسی سیره تربیتی آن حضرت است. به عبارتی دیگر زهرا (س) را بر کرسی مادری و در کلاس خانواده و در خدمت کودکانش می‌نگریم.

الگوی تربیت

اشاره

تربیت (یعنی به فعلیت درآوردن همه استعدادهای بالقوه انسان) کار سترگ پیامبران و علت انگیزش و بعثت آنان است و تنها کسانی می‌توانند به حقیقت این هنر را داشته باشند که از چشمه‌سار زلال نبوت سیراب شده و از مکتب آنان درس گرفته باشند و فاطمه (س) شاخسار درخت نبوت بلکه میوه آن درخت است از این روی در تربیت فرزند بهترین الگو برای هر کسی است که می‌خواهد نقش پدری یا مادری خویش را به طور کامل اجرا کند و بدرستی این وظیفه سترگ بگذارد. اکنون به نمونه‌هایی از آموزه‌های تربیتی زندگی زهرا (س) اشاره می‌کنیم:

آغاز تربیت

نکته بسیار مهمی که بسیاری از پدران و مادران بدان توجه ندارند این است که تربیت کودک و نقش‌پذیری او از نخستین لحظات زندگی او آغاز می‌گردد و کودک از لحظات آغازین تولد، آماده پذیرش نقشها و درسهایی است که از طرف پدر، مادر، نزدیکان و... به او ارائه می‌شود. بسیاری از پدر و مادرها منتظر می‌مانند تا سالیان اولیه زندگی بهر شکلی بگذرد تا در سالیان بعد به تربیت کودکان خود پردازند اما از دستورات اسلامی و نیز از سیره تربیتی فاطمه زهرا (س) می‌آموزیم که پس از تولد و در اولین فرصتها باید زمزمه توحید در گوش کودکان طنین‌انداز شود. روح هشیار کودک در همان اوان نیز توان درک معارف والا را دارد و این کلمات تاثیر ویژه خویش را بر روح لطیف کودک می‌گذارند. به این نمونه بنگرید: چون هنگام ولادت کودک فاطمه (س) فرا رسید، رسول خدا (ص) به اسماء بنت عمیس و ام سلمه فرمود: نزد فاطمه بشتابید و چون کودکش به دنیا آمد در گوش راستش اذان گوید و در گوش چپ او اقامه بگوئید زیرا با هر کودکی که این گونه رفتار شود از شیطان ایمن می‌ماند. یکی دیگر از این آموزشهای روزهای آغازین زندگی لالایی‌های فاطمه (س) است. لالایی که معمولاً همراه با در آغوش کشیدن کودک گفته می‌شود بهترین داروی آرامش‌بخش برای روان لطیف کودک است. بدون شک پرآرامش‌ترین لحظات زندگی انسان و آسایش‌مندترین دقایق زندگی همان لحظه‌ها و دقیقه‌هایی است که کودک همراه با آهنگ قلب مادر و با آوای مهرآمیز او

آرام آرام به خواب می‌رود اگر در این لحظات درسهای ایمان و معرفت، جهاد و مبارزه و انسانیت و اخلاق به کودک داده شود بدون شک چونان نقشی بر سنگ در ضمیر ناخودآگاه او جای گرفته و سرلوحه زندگی فردای او خواهد بود. اینک به لایلی فاطمه (س) برای کودکش توجه کنید: فاطمه (س) به هنگام حرکت دادن کودکش می‌گفت: حسن جانم، چونان پدرت علی باش و بند از پای حق برگیر خدایی را که بخشنده نعمتهاست بندگی کن و با خطاکاران دوستی منما

نامگذاری

انسان در آغاز زندگی تابلویی را بر دوش می‌گیرد که تا آخرین لحظات زندگی با آن تابلو و علامت شناخته می‌شود و آن نام کودک است. اگر هر کشوری برای معرفی خویش پرچمی ویژه دارد. نام کودک پرچمی است که بر فراز قله شخصیت کودک و در کشور زندگی او برافراشته می‌شود از این روی اسلام بر انتخاب نام زیبا تاکید بسیار کرده است و توجه به معانی و اثرات جانبی اسمها را یادآور شده است. متأسفانه در برخی موارد پدران یا مادران یا حتی خویشان دور و نزدیک بدون توجه به بار فرهنگی اسامی تنها و تنها سعی در اعمال سلیقه و تحمیل پسند خویش نسبت به کودک تازه به دنیا آمده دارند و گاه صحنه نامگذاری به میدان کارزاری می‌ماند که هر کسی سعی می‌کند طرف مقابل را مغلوب و منکوب کند اکنون به نامگذاری کودکان زهرا (س) دقت کنیم. چگونه او با تمام قدرت علمی و توان معرفتی خویش برای تعیین نام کودک پیشقدم نشده و از علی (ع) می‌خواهد که او نام کودک را تعیین کند و علی (ع) هم بر پیامبر اکرم و پدر بزرگ کودکان پیشی نمی‌گیرد و انتخاب نام کودک را به او واگذار می‌کند. و چون داوری به رسول خدا واگذار می‌شود، او که شخصیت کودکان فاطمه (س) را شخصیتی ملکوتی و آسمانی می‌بیند برای اسم آنان نیز منتظر سروش غیبی می‌شود. دقت کنیم: جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: چون امام حسن مجتبی (ع) متولد شد فاطمه (س) به علی (ع) گفت: یا علی برایش نامی انتخاب کن. علی (ع) فرمود: هرگز به رسول خدا (ص) در نامگذاری فرزندم سبقت نخواهم جست، رسول خدا (ص) وارد خانه فاطمه (س) شد و کودک را گرفت و بوسید و سپس دهان خود را بر دهان او گذارد... سپس در گوش راستش اذان گفت و در گوش چپش اقامه آن گاه روی به علی کرده فرمود: چه نامی برایش برگزیده‌ای؟ علی (ع) عرض کرد: هرگز بر شما پیشی نمی‌گیرم! رسول خدا (ص) فرمود: من نیز بر خدای خویش پیشی نمی‌گیرم! پس خدا به جبرئیل فرمود: فرود آی و محمد را از جانب ما سلام و تهنیت گوی، و به او بگوی که خدایت می‌فرماید نام فرزند تو همسان نام فرزند هارون (جانشین و برادر حضرت موسی (ع)) باید باشد، پیامبر پرسید: نام پسر هارون چیست؟ جبرئیل پاسخ داد: شبیر. پیامبر فرمود: به عربی چه نامیده می‌شود و جبرئیل پاسخ داد: حسن. پیامبر نام کودک را حسن گذاشت. در جریان نامگذاری حضرت زینب سلام الله علیها هم جریان اینگونه بود. چون زینب به دنیا آمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله به سفری رفته بود. فاطمه (س) به علی عرض کرد: یا علی! اسمی برای دخترم برگزین! علی فرمود: فاطمه! صبر کن تا رسول خدا (ص) از سفر برگردد. پس از گذشت سه روز پیامبر از سفر برگشت و به خانه فاطمه وارد شد. علی (ع) عرض کرد: ای رسول خدا (ص) خداوند به دخترم فاطمه دختری عنایت کرده است اکنون نام او را برگزین. رسول اکرم فرمود: دخترم نوزادت را بیاور. زینب را به محضش بردند او را در آغوش گرفت و صورتش را به صورت کوچک زینب نهاد و با صدای بلند گریست؛ تا آنجا که اشک بر گونه‌هایش جاری شد. زهرا (س) گفت: پدر جان چشمانت گریان مباد چرا می‌گریی؟ پیامبر (ص) فرمود: دخترم این کودک پس از تو و من به مشکلات و امتحانات بسیاری گرفتار خواهد شد و مصیبت‌های بزرگی خواهد دید. آنگاه فرمود: اولاد فاطمه فرزندان خودم هستند ولی برای نامگذاری این دختر منتظر سروش آسمانی می‌مانم. در این هنگام جبرئیل فرود آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! خدای سلامت می‌رساند و می‌گوید نام این کودک را زینب بگذار زیرا ما او را در لوح محفوظ زینب نام نهاده‌ایم.

توجه به حفظ و سلامت کودک

یکی از مهمترین دغدغه‌های ذهنی و دلهره‌های همیشگی پدر و مادر حفظ و سلامت کودک است. آنان برای حفاظت و سلامت کودک از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند تا آنجا که گاه سلامت خویش را نیز در این راه به خطر می‌اندازند. برای تامین سلامت و حفظ کودک از بیماری‌ها، خطرات و مشکلات راههای مختلفی وجود دارد. پدر و مادر آگاه سعی می‌کنند در کنار توجه به مسائل مهمی همچون رعایت بهداشت، تغذیه سالم و کامل، بررسی رشد طبیعی کودک و مواظبت دقیق در مقابل خطرات و حوادث تنها به همین مسائل اکتفا نکنند بلکه برای حفظ و سلامت و سعادت کودک از راههای دیگری هم که اسلام پیشنهاد کرده است، بهره‌جویند. برخی از این راهها صدقه دادن برای کودک و عقیقه کردن برای اوست. این نکته در زندگی زهرا (س) مورد توجه کامل قرار گرفته است. امام صادق (ع) فرمود: فاطمه زهرا (س) هر دو پسرش را عقیقه کرد و در روز هفتم تولدشان موی سر آنان را تراشید و به اندازه وزن آن پولهای نقره صدقه داد. و در روایتی دیگر اضافه فرمود: فاطمه زهرا (س) حسن و حسین را عقیقه نمود و به خانم قابله‌ای که در تولد آنان کمک کرده بود یک ران گوسفند و یک سکه طلا هدیه داد.

تساوی در محبت

از مهمترین نکاتی که در زندگانی کودکان نقشی بس بااهمیت دارد و گاه رعایت نکردن آن صحنه‌های بسیار دردناک و ناراحت‌کننده‌ای می‌آفریند، تبعیض در محبت به کودکان است. برخی پدران و مادران به تصوری ناصحیح، گمان می‌کنند اختیار اظهار احساسات خود و اختیار فرزندان و اموال خویش را دارند و از این روی می‌توانند به هر کس خواستند ببخشند. و از هر که خواستند دریغ کنند. و به هر کس خواستند و به هر مقداری که دلشان خواست اظهار محبت و ابراز احساسات کنند و از این روی به برخی کودکان خود توجه ویژه‌ای می‌کنند، اظهار محبت بیشتر، توجه زیادتر، کمک‌های مالی و هدیه‌های فراوان‌تر به برخی کودکان نمونه‌های بارز این تبعیض در محبت است. آنان با این کار تخم دشمنی و کینه و حسادت را در دل پاک کودکان می‌کارند و چه میوه‌های تلخ و ناگوار و چه حاصلی شوم به دست می‌آورند. برخی دیگر از پدر و مادران گمان می‌کنند کودکان توان فهم مسائل ارتباطی و عاطفی را ندارند و نمی‌توانند محبت‌های آنان به دیگر کودکان را بفهمند و یا اینکه دل شکسته آنان را می‌توان با هدیه‌ای کوچک به دست آورد از این روی به یکی از فرزندان توجه بی‌حساب و به دیگری بی‌اعتنایی بی‌اندازه می‌کنند و گاه می‌خواهند با هدیه‌ای جبران این بی‌توجهی‌ها و عدم رعایت تساوی در اظهار محبت و ابراز احساسات را بنمایند. آنان نمی‌دانند که هیچ نگاه محبت‌آمیز پدر و مادر به یکی از کودکان از دید تیزبین دیگر فرزندان پنهان نمی‌ماند و اثر سوء بیاد مانده از یک رفتار تبعیض‌آمیز با هیچ هدیه و سرگرمی از ذهن کودک زدوده نمی‌شود. در این رابطه روایات بسیاری رسیده است ما تنها به دو روایت اشاره کرده سپس به این نکته مهم در زندگی زهرا (س) توجه می‌کنیم. امام صادق (ع) فرمود: پیامبر اکرم (ص) مردی را دید که دو پسر داشت یکی را بوسید و دیگری را نبوسید. رسول اکرم ۳ به او اعتراض کرده فرمود: چرا بین آن دو به تساوی رفتار نکردی؟ امام باقر (ع) فرمود: به خدا سوگند برخی فرزندانم را بر روی زانویم می‌نشاند و بسیار به او محبت نموده از او تشکر می‌کنم با اینکه حق با فرزند دیگرم هست ولی برای حفاظت همان فرزند (که حق با اوست) و نیز حفاظت سایر فرزندانم این کار را انجام می‌دهم تا برادران آنگونه که با یوسف رفتار کردند با وی رفتار نکنند. یعنی توجه کردن به فرزندی که شایستگی آن را هم دارد (همانند یوسف پیامبر) باعث شد دیگر برادران حسادت ورزیده و کینه او را به دل گرفته در چاهش بیندازند. از این روی باید همه فرزندان را احترام کرد، حتی آن را هم که ظاهراً سزاوار احترام و توجه و محبت نیست مورد توجه و نوازش قرار داد. علامه مجلسی می‌گوید: حسن و حسین (علیهما السلام) در کودکی خط می‌نگاشتند. امام حسن (ع) به امام حسین رو کرد و گفت: خط

من از خط تو بهتر است. و امام حسین (ع) گفت: نه بلکه خط من از خط تو نیکوتر است. پس هر دو نزد مادرشان شتافتند و گفتند: مادر، بین ما داوری کن. فاطمه (س) نخواست یکی را بر دیگری برتری داده و یکی را برنجانند از این روی گفت: از پدرتان سؤال کنید. آنان نزد پدر آمدند اما امیرالمؤمنین (ع) نیز نخواست یکی را برتری دهد و دیگری را آزرده خاطر نماید فرمود: از جدتان رسول خدا (ص) پرسید. و چون آن دو نزد پیامبر اکرم (ص) آمدند. او فرمود: من داوری نمی‌کنم... تا اینکه بالاخره بنا شد فاطمه (س) مجدداً بین آنها داوری کند در اینجا فاطمه (س) شیوه بسیار زیبا و هنرمندانه‌ای را انتخاب کرد، تا ضمن پایان گرفتن ماجرا هیچکدام ناراحت نشده ضربه عاطفی نبینند. آری فاطمه (س) فرمود: من گردنبندی دارم که دارای چند گوهر است. اکنون بند آن را می‌گشایم و آن گوهرها بر زمین می‌ریزد شما گوهرها را از زمین برگیرید، هر کس تعداد بیشتری گوهر بدست آورده باشد خط او نیکوتر است... و در روایتی دیگر این جریان اینگونه بازگو شده است: پیامبر اکرم (ص) در مسجد نشسته بود که حسن و حسین (علیهما السلام) وارد شدند و امام حسن (ع) اظهار داشت: پدر بزرگ! من و برادرم حسین کشتی گرفتیم ولی هیچکدامان بر دیگری پیروز نشد اکنون می‌خواهیم بدانیم نیروی کدامیک از ما بیشتر است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: ای عزیزان من دو پاره جگرم کشتی سزاوار شما نیست. بروید و خط بنگارید. هر کدام خط او نیکوتر باشد، نیرو و توان او نیز بیشتر خواهد بود. آن دو رفتند و هر کدام سطری نگاشته آمدند و نوشته‌های خود را به پیامبر دادند تا بین آنها داوری کند. ولی پیامبر نخواست دل آنان را بشکند از این روی گفت به سراغ پدرتان بروید. علی (ع) نیز نخواست آنان را آزرده خاطر سازد و آنها را به سراغ فاطمه (س) فرستاد. فاطمه (س) به خاطر رعایت عواطف کودکان آنان و نیاززدن آنها پیشنهاد کرد رشته گردنبنده خود را بگشاید و آنان گوهرهای آن را بگیرند هر کدام گوهر بیشتری به دست آورد برنده مسابقه اعلام شود...

آموزش‌های سیاسی و عبادی

اشاره

انسان باید از سویی رسم بندگی بیاموزد، تا حق حق تعالی گذارد و از طرفی برای خدا به خدمت به خلق بپردازد تا وظیفه سترگ اجتماعی خویش را به انجام برساند و از اصلی‌ترین وظایف پدر و مادر آموزش کودکان و آماده ساختن آنان برای انجام دادن این دو وظیفه بزرگ است.

آموزش بندگی

اگر چه عبادت وظیفه بالغان و مکلفان است ولی کودکان نیز نباید از این فیض محروم بمانند بلکه باید در سنین خردسال با عبادت و راز و نیاز و شب‌زنده‌داری آشنا شده برای این امور آماده شوند. پدران و مادرانی که تنها به خورد و خواب و کفش و لباس کودکانشان می‌اندیشند و به تغذیه روحی و اشباع بعد معنوی آنان توجه نمی‌کنند هرگز فرزندان کامل و صالح تحویل جامعه نخواهند داد و روح سوخته و تشنه کام فرزندان از این نگرش یک‌سویه آنان به خدای شکایت خواهد برد. پدر و مادر در ضمن اینکه خود اهل عبادت و نیایش و شب‌زنده‌داری هستند باید کودکان خویش را با بهترین شیوه‌ها و مناسبترین روشها به این سوی هدایت کنند. از این رو در روایات اسلامی دستور داده شد که به هنگام راز و نیاز شبانه و عبادت کودکان را بیدار کنید تا آنان از نگاه به عبادت و تضرع و زاری پدر و مادر درسهای فردا را فرا گیرند. ما در نمونه‌هایی از روایات مشاهده می‌کنیم که کودکان فاطمه (س) شاهد عبادتها و شب‌زنده‌داریهای مادر بوده‌اند. امام حسن مجتبی (ع) می‌گوید: شب جمعه‌ای مادرم را دیدم که در محراب عبادت ایستاده بود و همواره در رکوع و سجود بود تا سپیده دمید، در تمام این مدت می‌شنیدم که برای مؤمنین و مؤمنات

دعا می‌کرد و آنان را نام می‌برد و هیچگاه برای خودش دعا نکرد. به او گفتم: مادر جان چرا برای خودت دعا نکردی و همه‌اش برای دیگران دعا نمودی؟! فرمود: فرزندم اول همسایه سپس خانواده. در نمونه‌ای دیگر می‌بینیم که زهرا (س) چگونه کودکان خویش را به عبادت و شب‌زنده‌داری وا می‌دارد. امیرمؤمنان علی (ع) فرمود: شب قدر را دهه آخر ماه مبارک رمضان بجویید... چون دهه آخر ماه رمضان فرا می‌رسید پیامبر بستر را نمی‌گسترد و کمر همت (برای عبادت) را محکم می‌نمود و چون شب بیست و سوم فرا می‌رسید خانواده‌اش را بیدار می‌کرد و (هر گاه خوابشان می‌گرفت) به صورتشان آب می‌پاشید. و زهرا (س) در این شب نمی‌گذاشت هیچ یک از افراد خانواده‌اش به خواب روند و آنان را با خوراندن غذای کمتر برای این شب‌زنده‌داری آماده می‌ساخت و خود از روز بیست و دوم برای شب‌زنده‌داری شب بیست و سوم مهیا می‌شد و می‌فرمود: محروم (واقعی) کسی است که از خیر امشب محروم شود.

آماده‌سازی برای جهاد

اسلام اگر چه به لطافت‌های معنوی و روحی و عرفانی توجه بسیار کرده است و از عشق و محبت و صلح و صفا بسیار سخن گفته و به آن دعوت نموده است، اما مسلمان یک بعدی و فاقد غیرت دینی را نمی‌پسندد. اسلام در کنار نماز، جهاد را مطرح می‌کند و می‌گوید: آنکه جهاد نکرده و یا خویش را برای آن آماده نساخته است چون بمیرد به گونه‌ای از نفاق بمیرد. انسان مسلمان همانگونه که خویش اهل جهاد و دفاع از ارزشهای دینی است باید فرزندان خود را هم مبارز و غیور و دارای شهامت دفاع از آرمان و عقیده پروراند. در صحنه مسؤلیتهای اجتماعی و جهاد و تلاش برای حفظ اسلام فاطمه (س) را می‌بینیم که در دوران مصیبت‌بار و اندوه‌خیز پس از پیامبر یک تنه در مقابل انحراف حکومت ایستاده است و در این راه فرزندان خردسال خویش را هم در کوران این مبارزه و کانون داغ این کوره ملتهب قرار داده و آنان را به خط مقدم جبهه مبارزه علیه جهالت مسلط و فرمانروایی نابحق می‌برد. سلمان می‌گوید: (پس از رحلت رسول خدا (ص) و بیعت سقیفه) چون شب می‌شد علی (ع) فاطمه را سوار بر مرکبی می‌کرد و در حالی که دست حسن و حسین را گرفته بود به در خانه تمامی مبارزان بدر - از مهاجرین و انصار - می‌رفت و علی (ع) حقانیت خویش را برایشان بیان می‌کرد و آنان را به یاری خود می‌خواند ولی جز چهل و چهار نفر به او پاسخ مثبتی نمی‌دادند. علی (ع) به همین عده (چهل و چهار نفر) فرمان می‌داد که صبحگاهان با سلاح در حالی که سرهای خود را تراشیده باشند برای بیعت کردن برای شهادت حاضر شوند ولی در پگاه جز چهار نفر حاضر نمی‌شدند و این جریان سه شب تکرار شد و چون علی (ع) این بی‌وفایی را دید در خانه نشست... و آن گاه که همه راههای مبارزه را بر روی فاطمه (س) بستند او دست‌به‌مبارزه‌ای منفی با سلاح اشک و گریه زد. او با گریه خویش و اظهار ناراحتی از وضعیت موجود به بهترین وجه، پرده تزویر را از چهره حکومت غاصبانه درید و نارضایتی خاندان پیامبر را بارها اعلام نمود. در این مبارزه نیز کودکان فاطمه در کنار اویند. با اینکه معمولاً مادران گریه خود را از کودکان پنهان می‌کنند ولی او حسن و حسین (علیهما السلام) را همواره شاهد و ناظر گریه خویش می‌گیرد و آنان را همه جا می‌برد تا درس شهامت، شجاعت، مبارزه بیاموزند و مظلومیت و غربت دین خدا و ولی خدا علی (ع) را با تمامی وجود خویش درک کنند و خود را آماده کنند تا در موقع لازم و بصورت مناسب و به شیوه صحیح به یاری او بشتابند. ابتدا فاطمه، شهر مدینه و کنار گورستان بقیع را میدان مبارزه خویش با بدعتها و تحریفها و غضب خلافت قرار داد و حسنین در اینجا در کنار مادر بودند. علامه مجلسی می‌نگارد: پس از شکایت بزرگان مدینه از گریه‌های زهرا (س) امیرالمؤمنین (ع) در بیرون مدینه در کنار بقیع خانه‌ای برای زهرا بنا کرد که آنرا «خانه اندوه (بیت الاحزان) می‌نامیدند چون صبحگاهان فرا می‌رسید زهرا در حالی که گریان بود حسن و حسین (علیهما السلام) را پیشاپیش فرستاده، خود از پشت سر آنان حرکت می‌کرد و به بقیع می‌رفت و همواره گریه می‌کرد. تا آنکه شب فرا می‌رسید. در آن هنگام علی (ع) به بقیع می‌رفت و آنها را به خانه باز می‌آورد. و زمانی نیز فاطمه زهرا (س) به

دیدار شهدای احد و عمویش حمزه می‌رفت و آنجا به گریه سیاسی خویش می‌پرداخت و پرده‌های دروغ و خیانت و تزویر حاکم را می‌دید. شاید در این سفرها هم کودکان را به همراه داشت. و چون فاطمه زهرا برای اعتراض به غصب فدک و آشکار ساختن چهره سلطه غاصبانه حکومت به مسجد رفت و با خطبه‌ای شگفت‌به‌دفاع از حق خویشتن و حق ولایت پرداخت آنگونه که همه حاضران را به گریه واداشت. باز دختر خردسالش زینب همراه او بود و این خطبه را به تمام و کمال برای آیندگان ضبط کرده و نقل فرمود. و هنگامی که حاکمان غاصب از فاطمه (س) گواه خواستند تا بر ادعای او نسبت به فدک شهادت دهد او دو کودک خود را به عنوان گواه به بیدادگاه آنان آورد و آن دو شهادت دادند اگر چه شهادت دو سرور جوانان بهشت، و امیرمؤمنان و ام ایمن (زنی که به شهادت همه مسلمانان پیامبر به بهشتی بودن او شهادت داده بود) هرگز حقی را ثابت نکرد و به نفع زهرا (س) حکمی صادر نشد. و باز در همین جریان اعتراض به غصب فدک فاطمه و علی (ع) برای اتمام حجت در خانه تمام مهاجران و انصار می‌روند و آنان را به یاری می‌خوانند ولی کسی آنان را یاری نمی‌کند و در این استمداد شبانه حسن و حسین همواره همراه فاطمه و علی (علیهما السلام) اند. امام صادق (ع) می‌فرماید: فاطمه (س) پس از پیامبر هفتاد و پنج روز بزیست و هرگز خوشحال و خندان دیده نشد. او هر هفته دوشنبه و پنجشنبه، سراغ قبور شهدای (احد) می‌آمد. و در این سفرها شرح مبارزات نبرد احد را بیان می‌کرد و می‌گفت: در این جا رسول خدا ایستاده بود و در این مکان مشرکان ایستاده بودند. و تا هنگام شهادت در آنجا نماز می‌گذازد و دعا می‌کرد. و ثقة‌المحدثین قمی از شیخ مفید نقل می‌کند که: فاطمه زهرا (س) پس از رحلت پیامبر (ص) هر صبح و شام به زیارت قبر حمزه می‌آمد. فردی به نام محمود بن لبید می‌گوید: پس از رحلت رسول خدا (ص) فاطمه (س) به سراغ قبر شهدا و قبر حمزه می‌آمد و آنجا می‌گریست. در یکی از روزها او را در کنار قبر شهدا دیدم به محضرش آمده او را سلام گفتم و عرض کردم ای سرور زنان بخدا سوگند رگ قلبم را با این گریه‌هایت بریدی. فاطمه (س) فرمود: مرا شایسته است که اینگونه بگریم که پدری مثل رسول خدا را از دست داده‌ام... سپس مفصل به مسائل سیاسی روز پرداخته و جریان غصب خلافت را توضیح داد و با عبارتهایی بسیار زیبا و آهنگین و همراه با استدلال به آیات قرآن و سنت رسول الله حقانیت امیرالمؤمنین را بر وی اثبات نمود. البته اثر این تربیت سیاسی را به خوبی در زندگی کودکانش می‌بینیم که چگونه بزودی همین راه مادر را ادامه داده به غاصبان خلافت اعتراض می‌کنند. امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: روز جمعه‌ای ابوبکر بر منبر بالا رفت تا خطبه بخواند امام حسین (ع) برخاست و فرمود: این جایگاه پدر من است نه جایگاه پدر تو. ابوبکر گریست و گفت: آری منبر از آن پدر توست و پدر مرا منبری نیست. در خلافت عمر نیز امام حسین (ع) در وسط سخنان عمر پیا خاست و فریاد زد: ای دروغگو از منبر پدرم رسول خدا (ص) فرود آی این منبر پدر تو نیست. عمر گفت: آری به جان خودم سوگند این منبر از آن پدر توست و پدر مرا منبری نیست. آیا این سخنان را پدرت علی به تو آموخته است؟ امام حسین (ع) فرمود: اگر آنچه را پدرم بفرماید، فرمان برم او هدایتگر و من هدایت‌شده خواهم بود. بیعت با پدرم که جبرئیل آن را از جانب خدای فرود آورد بر گردن این مردمان است و آن را انکار نمی‌کنند مگر آنکه منکر کتاب خدا باشند. این مردم با قلبه‌اشان بدان یقین دارند و با زبانشان انکار می‌ورزند وای بر آنان که حق ما اهل بیت را انکار می‌کنند چگونه با رسول خدا (ص) روبرو خواهند شد با خشمی مداوم و عذابی شدید. ... عمر به شدت خشمگین شد. با گروهی به خانه امیرالمؤمنین (ع) آمد و به حضرت اعتراض کرده گفت: حسین، اراذل و اوباش مدینه را بر علیه من می‌شوراند امام حسن (ع) که حاضر بود فرمود: آنکه حق حکومت ندارد بر حسین فرزند رسول خدا (ص) خشم می‌گیرد و همکیشان خود را (مسلمانان را) اراذل و اوباش می‌نامد به خدا سوگند تو جز با همدستی اوباش و اراذل به این مقامات نرسیدی پس خدای لعنت کند آنکس را که اوباش و اراذل را شوراند...

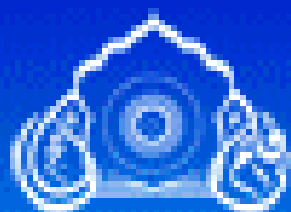
برای کمال انسان ضروری‌ترین شرط، دانش آموزی و به دست آوردن اندوخته‌های ارزشمند علمی است و برای دریافت دانش‌ها و بینش‌ها مهم‌ترین راه چشم و گوش است. بیشترین آموخته‌های انسان از راه گوش و چشم فراچنگ می‌آید. بنابراین آموختن به کودک که شنونده خوبی باشد در حقیقت گشودن راه‌های دانش به سوی اوست. و نیز بازخواست کردن دانش‌های آموخته همراه با محبت‌بی‌شائبه و اظهار عواطف خالصانه مادری بهترین راه شکوفا کردن استعداد کودکان است. فاطمه (س) کودکانش را به محضر رسول خدا (ص) می‌فرستاد تا از دریای دانش متصل به وحی و علم مطلق الهی رسول خدا (ص) استفاده برند و باز از آنان باز می‌خواست که آنچه را آموخته‌اند بازگو کنند به جریان زیر دقت کنید: امام حسن مجتبی علیه السلام هفت‌ساله بود که در جلسات رسول خدا (ص) شرکت می‌جست و آنچه را از وحی بیان می‌کرد به خاطر می‌سپرد. آنگاه به حضور مادرش می‌آمد و آنچه را به خاطر سپرده بود برای مادر بازگو می‌نمود. چون امیرالمؤمنین (ع) به خانه می‌آمد، می‌دید فاطمه (س) از آنچه امروز به پیامبر اکرم وحی شده است و آن را در مسجد بازگفته است با خبر است. شگفت‌زده می‌پرسید: از کجا این مطالب را می‌دانی. با اینکه در جلسات رسول خدا (ص) حضور نداشتی. فاطمه زهرا (س) می‌فرمود: فرزندت حسن، برایم نقل می‌کند. روزی امیرمؤمنان (ع) در خانه پنهان شد تا جریان بازگو کردن سخنان پیامبر (ص) توسط امام حسن (ع) را ببیند در این هنگام امام حسن به خانه وارد شد و شروع به سخن گفتن کرد ولی دچار لکنت زبان شد مادر شگفت‌زده شد که هیچ‌گاه این چنین نبود. امام حسن پاسخ داد: مادر تعجب نکن زیرا بزرگمردی به سخنانم گوش فرا می‌دهد و بدین واسطه است که دچار لکنت زبان شدم. علی (ع) از مخفی‌گاه خود خارج شد و امام حسن (ع) را بوسید. او کودکانش را به گونه‌ای تربیت کرد که دخترش زینب سلام الله علیها روایات بسیاری را که از مادرش زهرا شنیده بود برای ما نقل کرده است و امروز روایات او بخشی ارزشمند از فرهنگ غنی شیعی به شمار می‌رود. همه می‌دانیم مدت زندگی فاطمه زهرا (س) بسیار کوتاه بود و از سویی دیگر اخبار و گزارش‌های همین زندگی کوتاه را هم دست‌سیاست غاصبانه نگذاشت منتشر شود. به قول دانشمندی: فضایل این خاندان را دوستان از ترس پنهان کردند و دشمنان از حسد بازگو ننمودند اما با این همه آنچه به دست مردمان رسیده، بوی دل‌انگیزش دنیا را عطر آگین کرده و مشرق و مغرب را فرا گرفته است. ما برخی از آثار و روایاتی که در زمینه سیره تربیتی فاطمه (س) بدست ما رسیده بود بررسی کردیم ولی بررسی کاملتر آن را باید در فرآورده‌های این تربیت جستجو و نظاره کرد. آری، تمام عظمتها و شکوهایی که به بهترین صورت در زندگی فرزندان فاطمه (س) متجلی است نشانگر تربیت تابناک و دامان پاک و آموزه‌های گران‌ارج فاطمه (س) است. به این خانه گلین کوچک بنگرید. چه کسانی را به جامعه تحویل داده است. حسنین (حسن و حسین علیهما السلام) زینب (زینب و ام‌کلثوم سلام الله علیهما) دو مردی که قلم و بیان از ترسیم شکوه صلح و جنگ آنان و دستیابی به فراز قله‌های دانش و بینش آن دو و بلندای چکاد اخلاق آنها ناتوان است بلکه پرنده تیزپرواز و بلند‌گرای اندیشه را نیز یارای رسیدن به بلندای آن نیست. و دوزنی که «مردانگی در رکابشان جوانمردی آموخته و در غروب سیاه تمامی ارزش‌های انسانی فریاد رسای آن دو تاریک‌زار بی‌تپش توده‌های مردم کوفه و شام را به حرکت و هیجان و شور و شعور و شعار واداشته است. در میدان معنویت و صفا و عرفان نیز چشم عارفان روزگار را خیره و اندیشه عابدان اعصار را سرگردان و متحیر نموده‌اند. آری همه آن عظمت‌ها مدیون تربیت فاطمه (س) و ریشه در پرورش نیکوی او دارد. از این رو در با شکوه‌ترین نمایش حق و باطل و در رساترین و گیراترین و زیباترین هم‌آوردی نور با سیاهی و تباهی و فضیلت‌کشی - در عاشورا - تک سوار میدان، همه این شکوهها و عظمتها و اوجها را مرهون دامان پاک فاطمه می‌داند و می‌گوید: هیئات منا الذلّة... زبونی، خواری، پستی از پیرامون ما به دور است (ما و ذلت هرگز) خدای و پیامبر و مؤمنان و آن دامنهای پاک و پاکیزه‌ای که ما را پرورانده است از ذلت ما پروا دارند و ما را خوار و زبون نمی‌پسندند.

اکنون این مختصر را با روایتی به پایان می‌بریم که پرده‌ای دیگر از شکوه هوش ربای فاطمه (س) را بازگو می‌کند. آری فاطمه که تربیت را از محضر وحی آموخته و در دنیای تربیت‌بهترین نمونه‌های ادب و تعالی را پرورانده و در این مرحله بهترین شاگرد و برترین معلم بوده است. در جهان حقیقت و زندگی جاودان آخرت نیز از جانب خدای بزرگ عهده‌دار همین مسئولیت است اما این بار نه در محدوده خانه و کودکان خود بلکه تمامی کودکان شیعیانش و دوستانارانش شاگردان مکتب تربیتی اویند و سر بر دامن محبت این مادر می‌گذارند توجه کنید. ابوبصیر می‌گوید: امام صادق (ع) فرمود: کودکان شیعیان ما را [در عالم برزخ] فاطمه زهرا (س) تربیت می‌کند و در روز قیامت به پدرانشان تحویل می‌دهد.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشرف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه‌های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۳۵) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی /مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۹-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰-۰۱ IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکنند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

